



University of Tehran Press

## Legal framework for children's rights protection in the digital environment in light of the CRC general comment No. 25

Ehsan Shahsavari<sup>1</sup> | Sahar Hasani<sup>2</sup>

1. Corresponding Author; Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: [ehsanshahsavari@ut.ac.ir](mailto:ehsanshahsavari@ut.ac.ir)
2. MA Student in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: [s.hasani@stu.umz.ac.ir](mailto:s.hasani@stu.umz.ac.ir)

| Article Info  | Abstract  |
|---|---|
| <p><b>Article Type:</b><br/>Research Article</p> <hr/> <p><b>Pages:</b> 1-23</p> <hr/> <p><b>Received:</b><br/>2022/02/20</p> <p><b>Received in revised form:</b><br/>2022/04/09</p> <p><b>Accepted:</b><br/>2022/05/23</p> <p><b>Published online:</b><br/>----/--/--</p> <hr/> <p><b>Keywords:</b><br/><i>Committee on the Rights of the Child (CRC), Digital environment, the Best interests of the child, General comments, Subsequent practices.</i></p> | <p>The digital environment as a dual-use platform enables the excellence and destruction of children at the same time. Awareness, education, acquisition of transcendent knowledge, privacy violation, pornography, and digital aggression are attainable in this environment. Hence, we have a doubtful view about this space. The obligation of UNCRC state parties in the protection of the Best interests of the children entails the eradication of all threats against them in all environments, digital or non-digital. In the CRC point of view the right to life, survival, and development of children, non-discrimination in access and use, observance of the best interests of the child, and respect for the views of the child create the overall framework for ensuring the children's rights in relation to the digital environment. The main question is how to form this framework. It seems that forming the legal framework for protecting children's rights in relation to the digital environment first is depended on CRC states parties and must be achieved by appropriate, and comprehensive legislative, executive, and judicial measures in light of criteria's such as independent monitoring, dissemination of information, raising awareness and education, Cooperation with civil society and access to justice and remedies. The objective of this descriptive-analytical research is to identify dimensions of this international obligation in light of the CRC general comment No. 25.</p> |
| <p><b>How To Cite</b></p>   | <p>Shahsavari, Ehsan; Hasani, Sahar (2023). Legal framework for children's rights protection in the digital environment in light of the CRC general comment No. 25. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-23.<br/>DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339409.3038">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339409.3038</a></p>  |
| <p><b>DOI</b></p>   | <p>10.22059/JPLSQ.2022.339409.3038</p>  |
| <p><b>Publisher</b></p>   | <p>The University of Tehran Press. </p>   |



## حمایت از کودکان در فضای دیجیتال

## در پرتو تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک

احسان شهسواری<sup>۱</sup> | سحر حسنی<sup>۲</sup><sup>۱</sup>. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: [ehsanshahsavari@ut.ac.ir](mailto:ehsanshahsavari@ut.ac.ir)<sup>۲</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: [s.hasani@stu.umz.ac.ir](mailto:s.hasani@stu.umz.ac.ir)

| اطلاعات مقاله  | چکیده   |
|--|---|
| <p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>صفحات:</b> ۲۳-۱</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b><br/>۱۴۰۰/۱۲/۰۱</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b><br/>۱۴۰۱/۰۱/۲۰</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b><br/>۱۴۰۱/۰۳/۰۲</p> <p><b>تاریخ انتشار برخط:</b><br/>---/--/---</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b><br/>تفاسیر کلی، رویه بعدی، فضای دیجیتال، کمیته حقوق کودک، مصالح عالیله کودک.</p> | <p>فضای دیجیتال به‌عنوان بستری واجد کاربری دوگانه، اسباب تعالی و تخریب کودکان را توأمان هموار می‌سازد؛ آگاهی، آموزش، کسب دانش متعالی، نقض حریم خصوصی، هرزه‌نگاری و تجاوز دیجیتال در این فضا قابل حصول‌اند. این امور نمایی تردیدآمیز از فضای دیجیتال به‌دست می‌دهد. التزام اطراف کنوانسیون حقوق کودک به صیانت از مصالح عالیله کودک متضمن آن است که در تمامی محیط‌ها خواه واقعی و دیجیتال تهدیدها علیه کودکان زائل شود. از نظر کمیته حقوق کودک حق بقای کودکان، حیات و تعالی کودک، عدم تبعیض در دسترسی و بهره‌مندی، رعایت مصالح عالیله کودک و لزوم توجه به دیدگاه‌های وی، چارچوب کلی تضمین حقوق کودک در فضای دیجیتال را شکل می‌دهد. پرسش اصلی چگونگی ترسیم این چارچوب است. به‌نظر می‌رسد ترسیم چارچوب حقوقی صیانت از کودکان در فضای دیجیتال ابتدا متوجه اطراف کنوانسیون حقوق کودک است که باید از طریق تدابیر جامع و مناسب تقنینی، اجرایی و قضایی و در پرتو مفاهیمی همچون نظارت مستقل، اشاعه اطلاعات، آگاهی‌بخشی و آموزش، مشورت با جامعه مدنی و دسترسی به عدالت و جبران خسارت محقق شود. رسالت نوشتار توصیفی-تحلیلی حاضر با نظر به تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک شناخت ابعاد این تعهد بین‌المللی است.</p> |
| <b>استناد</b>  | شهسواری، احسان؛ حسنی، سحر (۱۴۰۲). حمایت از کودکان در فضای دیجیتال در پرتو تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، --(۱)، ۲۳-۱.  |
| <b>DOI</b>   | DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339409.3038">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339409.3038</a><br>10.22059/JPLSQ.2022.339409.3038   |
| <b>ناشر</b>  | مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.   |



## ۱. مقدمه

گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباط دسته‌جمعی و جوشش داده در فضای دیجیتال امری ملموس است و آثار نیک و بد این تحول نیز بر همگان کمابیش آشکار است. این فضا پیوسته رو به تحول است و تورم محتوایی به خود می‌بیند. چنین فضایی به‌مثابه یک زیست‌بوم دیجیتال<sup>۱</sup>، بستری برای استیفای برخی حقوق بشری است. امروزه نیز کمتر اندیشه سلیمی به این فضا به‌عنوان زمینه‌ای مفسده‌آور و شوم می‌نگرد و ایستادگی در برابر آن و مسدود کردن فضای ملی به روی دسترسی به ارتباطات بین‌المللی را می‌پسندد. در این مسیر، آنچه دولت‌ها فراروی خود می‌بینند، مدیریت، کنترل و پایش بهینه فضای دیجیتال و خنثی‌سازی یا به حداقل رساندن تهدیدات برخاسته از فضای دیجیتال است. پرواضح است که آگاهی در ورود و استفاده از این فضا که ما آن را دانش دیجیتال<sup>۲</sup> می‌دانیم، یکی از بایسته‌های عقلانی و انکارناپذیر است. روشن است که تحقق خودکار سطحی از آگاهی به‌ویژه برای ذی‌نفعان حاشیه‌ای و شکننده‌ای چون کودکان، بعید است. کسب دانش در زمینه مخاطرات فضای دیجیتال بر کودکان سهل نیست و همین ناآگاهی آنان را به اولین قربانیان فضای دیجیتال بدل می‌کند. پس شایسته است تعهد به آگاهی‌بخشی و صیانت از کودکان متوجه دولت‌ها و دیگر کنشگران نقش‌آفرین در نظام حقوق کودک شود. می‌توان این مهم را به حق کودک بر بهره‌مندی از آموزش پیوند داد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از مولفه‌های بنیادین حق کودکان بر آموزش را، انعطاف و انطباق‌پذیری آن با نیازهای متحول جوامع و ترجیحات خود کودکان در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی دانسته است (CESCR, General comment No.13, 1999: 6). کنترل و نظارت بر کنشگری کودکان در فضای مجازی از زمینه‌های انطباق حق بر آموزش با زمینه‌های متحول پیش گفته است.

کمیته حقوق کودک (از این پس کمیته) با صدور تفسیر عمومی شماره ۲۵ سعی داشته است حقوق کودکان را در یک زیست‌بوم دیجیتال و از مجرای حقوق بین‌الملل بنگرد. این نگاه متضمن آن است که با تفحص در کنوانسیون حقوق کودک و نیز رویه بین‌المللی دولت‌ها، سازمان‌ها و سایر کنشگران، خوانشی جامع از حقوق کودکان در فضای دیجیتال و نیز تعهدات اطراف کنوانسیون حقوق کودک در زمینه موضوع پیش‌گفته حاصل شود. این تفسیر عمومی حاصل مذاقه کمیته در نظام حقوق کودک و نظرهای ارسال شده توسط بیش از ۱۴۰ دولت، سازمان بین‌المللی، کارگزاری‌های تخصصی ملل متحد و مراجع ملی حقوق بشر بوده است و تفسیری معتبر از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها به‌دست می‌دهد و به‌نظر می‌رسد با توجه به ارزش والای حقوقی و اقناعی تفاسیر کلی نهادهای ناظر معاهده‌ای در نظام حقوق

1. Cyber Biome  
2. Cyber knowledge

بین الملل کودک به الگویی برای نظام‌های حقوق ملی در ارزیابی سامانه ملی قوانین و مقررات حمایت‌کننده از کودکان در فضای دیجیتال بدل شود.

از نظر کمیته حقوق کودک عدم تبعیض، رعایت مصالح عالیۀ کودک، حق حیات، بقا و تعالی او و در نهایت توجه مقتضی به دیدگاه‌های وی چارچوبی است که استیفای بهینه حقوق کودکان در فضای دیجیتال را تضمین می‌کند (8: 2021, CRC, General comment No.25) و هرگونه معماری نظم حقوقی ملی در صیانت از کودکان منوط به کاربست و تحقق این نهادها و حمایت‌های حقوقی است. نظر به گذشت زمانی اندک از صدور این تفسیر عمومی و نبود تحقیقی فراگیر در سطح بین‌المللی و ملی در زمینه موضوع حاضر و بدیع بودن این سند، بر آن شده‌ایم که با توصیف چارچوب حمایتی مطلوب کمیته حقوق کودک و تحلیل عناصر این چارچوب حقوقی، موضوع حقوق کودک در فضای دیجیتال را مطالعه و ضمن بررسی و تطبیق این تفسیر با مفاد کنوانسیون حقوق کودک، عناصر تعهد دولت در موضوع حاضر را مورد پرسش قرار دهیم و شیوه‌های کاربست آن را در ساحت تقنین، اجرا و قضا به نظاره بنشینیم. شایان ذکر است که محتوای پژوهش حاضر صرفاً بررسی چارچوب حقوقی صیانت از کودکان در فضای دیجیتال و الزامات کلی آن، و منصرف از بررسی مصادیق خاص حقوق بشر کودکان در فضای دیجیتال و کیفیت استیفای آن است. نظر به عضویت جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون حقوق کودک، تفسیر پیش‌گفته می‌تواند حاوی اشارات و تلمیحاتی برای سامانه حقوقی ایران نیز باشد و در جهت‌دهی به مساعی ملی در تدوین نظام صیانت از حقوق کودکان در فضای دیجیتال مؤثر افتد.

## ۲. کنشگری کنونی کودکان در فضای دیجیتال

به مقیاسی متعارف کودکان همواره یکی از بهره‌برداران از فضای دیجیتال بوده‌اند. تا سال ۲۰۱۷ میلادی از هر سه کاربر فضای دیجیتال یکی از آنان کودکان زیر ۱۸ سال بودند (Unicef, 2017: 3). مقیاس پیش‌گفته این ایده را تقویت کرده است تا بتوانیم درباره کودکان به صورت ویژه از اصطلاح شهروندی دیجیتال یاد کرده و رشد، بلوغ، کنشگری و استیفای حقوق آنان را در این بستر به‌عنوان یک زیست‌بوم تحلیل کنیم.

بهره‌مندی کودکان از فضای دیجیتال اغلب ناظر بر بازی‌های رایانه‌ای، محتوای دیداری یا شنیداری کودکان و میزانی چشمگیر از آموزش‌های خصوصی از راه دور بوده است. افزون بر این، فراگیری آموزش از راه دور از طریق بستر دیجیتال به‌طور چشمگیری کمیت و دامنه دسترسی کودکان به فضای دیجیتال و داده‌های گردش‌پذیر در آن را افزایش داده است. عوارض این سطح بالا از دسترسی می‌تواند در شکل‌گیری فرهنگ رختخواب<sup>۱</sup>، چاقی، تنهایی و نظارت‌ناپذیری کودکان در فضای دیجیتال تجلی یابد.

فزونی دسترسی کودکان به فضای دیجیتال، با وجود نقش مثبت در زندگی و آموزش آنان، به نگرانی والدین، آموزگاران و سایر کنشگران حقوق کودکان افزوده است (Unicef, 2021: 108). مداومت و گسترش روزافزون بهره‌مندی کودکان از فضای دیجیتال و تبدیل آن به یک شبه‌عادت و حتی ضرورت، کمیته حقوق کودک در نظر داشته است چارچوب حقوقی بهره‌مندی کودکان از این فضا را در سیاق کلی عبارات کنوانسیون حقوق کودک و نظام خاص حقوق بشر کودکان به نظاره و ارزیابی بنشیند و بر ما بایسته است پیش از شناخت محتوای این تفسیر عمومی به این پرسش پاسخ دهیم که تفاسیر کلی به صورت عام و تفاسیر کلی کمیته حقوق کودک چه جایگاهی در شناخت ماهیت قاعده حقوق بشری و هدایت کنش دولت‌ها در ایفای تعهدات بین‌المللی دارد؟

### ۳. صدور تفاسیر کلی در نظام حقوق کودک

توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، همه‌گیری حقوق بشر و تلاش در مسیر نظارت‌پذیری آن، بستری مناسب برای تعریف و فعالیت سازوکارهای معاهده‌ای<sup>۱</sup> فراهم آورده است. عمده معاهدات حقوق بشری به ویژه در سطح جهانی، خالق کمیته‌ای هستند که رسالتشان، نظارت بر یا مشارکت در فرایند تفسیر و اجرای معاهده‌ی‌ربط است. در نظام عام معاهده‌ای حقوق بشر (در برابر نظام‌های منطقه‌ای) ۹ کمیته با صلاحیت‌های ویژه شکل گرفته‌اند.

کمیته حقوق کودک به‌منزله نهاد ناظر بر تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق کودک می‌تواند بر اساس اطلاعات واصله از دولت‌های عضو، کارگزاری‌های تخصصی ملل متحد و سایر ذی‌نفعان در امر حقوق کودک، پیشنهادها یا توصیه‌هایی کلی در زمینه مفاد کنوانسیون ارائه کند. این پیشنهادها و نظرها به کشور عضو مربوطه منتقل خواهد شد و به‌همراه نظرهای کشور عضو به مجمع عمومی ملل متحد گزارش خواهد شد (CRC: 1989: Art. 45).

یکی از تفاوت‌های عنوانی (شکلی) در زمینه تصویب و صدور تفاسیر کلی در کمیته حقوق کودک در مقایسه با کمیته حقوق مدنی و سیاسی آن است که ماده ۴۵ کنوانسیون حقوق کودک از عبارت توصیه‌های کلی و نه تفاسیر کلی بهره برده است (Verheyde & Goedertier, 2006: 38). کنوانسیون امحای تمامی اشکال تبعیض نژادی (CERD, 1965: Art. 9)، کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW, 1979: Art. 21) و کنوانسیون حمایت از حقوق معلولان (CRPD, 2007: Art. 36) با عباراتی مشابه به صدور پیشنهادها و توصیه‌های کلی<sup>۲</sup> متعاقب دریافت

1. Treaty bodies  
2. Suggestions and general recommendations

گزارش و داده‌ها از کنشگران ذی‌ربط اشاره کرده‌اند. در این میان اما صلاحیت کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR, 1966: Art. 19) و کمیته ناپدیدسازی اجباری (CED, 2006: Art. 29) به ترتیب به صدور توصیه‌های کلی (منصرف از پیشنهادها) و ملاحظات و توصیه‌ها محدود شده است. در مقابل اما، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR, 1966: Art. 40) و کنوانسیون منع شکنجه (CAT, 1984: Art. 19) به صدور تفاسیر کلی اشاره کرده‌اند. آنچه از عبارت‌پردازی‌های مذکور به‌ویژه در مورد کنوانسیون حقوق کودک متبادر می‌شود، این است که ارائه پیشنهادها و توصیه‌های کلی اصولاً شأنی واکنشی داشته و ظهور در آن دارد که صدورشان در پاسخ به نهادهای گزارش‌دهنده اعم از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا سایر کنشگران واجد اطلاعات است.

اصولاً تفکیکی از نظر ماهوی و اثر حقوقی میان این دو نوع کارکرد کمیته حقوق کودک در ارائه رهنمودهای کلی وجود ندارد. با وجود تفاوت در عبارت‌پردازی‌های اسناد پیش‌گفته و پیکربندی رهنمودهای ارائه‌شده در کمیته‌های مذکور به توصیه‌های کلی و تفاسیر کلی و علی‌رغم عنوان گمراه‌کننده توصیه<sup>۱</sup> در قیاس با تفسیر<sup>۲</sup> باید به یاد داشت در هیچ موضعی به فقدان اثر و ارزش حقوقی توصیه‌های کلی اشاره نشده است. پذیرش تفکیک ماهوی میان این دو و تعبیه ارزش مادون برای توصیه‌ها مغایر با اصول مسلم تفسیر معاهدات است. در پرتو اصولی چون جهان‌شمولی، به‌هم‌پیوستگی و تفکیک‌ناپذیری حقوق بشر و نیز کارامدی، اجرای مؤثر و اجرای توأم با حسن نیت تعهدات بین‌المللی، در مواضعی که معاهدات حقوق بشری به تعریف و ساختار بندی کمیته‌های ناظر می‌پردازند، هدفی جز ایجاد رکن مستقل و کاملاً ویژه که در عرض دولت‌های عضو و به‌عنوان نهادی مکمل، ارزیابی ناب حقوقی خود را از حقوق و تعهدات مندرج در معاهده ارائه کند، ندارند. ارزیابی نهادهای پیش‌گفته نمی‌تواند به توصیه‌ای صرف فرو کاسته شده و توجه بدان یا زدودن اثر آن به داوری تام دولت‌ها سپرده شود. به‌یقین بخشی از تعهد دولت‌ها به پذیرش و اجرای توأم با حسن نیت یک معاهده حقوق بشری متضمن پذیرش و اجرای یافته‌های نهادهای ناظر نیز خواهد بود. اما پرسش آن است که این یافته‌ها تا کدامین پایه می‌توانند ارزشمند و مؤثر باشند؟

#### ۴. اعتبار حقوقی تفاسیر کلی در نظام حقوق کودک

سهمی عمده از خوانش، تفسیر، اجرا و نظارت بر اجرای تعهدات اطراف معاهدات حقوق بشری مورد ارزیابی کمیته‌های پیشین قرار می‌گیرد. قرائت حاصل از اعمال صلاحیت نهادهای پیش‌گفته می‌تواند تزییق، توسعه یا تنویر الزامات معاهده را در پی داشته باشد. البته این صلاحیت منصرف از اصلاح یا

1. Recommend

2. Comment

جرح و تعدیل رسمی معاهده است و با وجود فقدان مرز روشن میان اصلاح و تفسیر رویه‌ای ( Buga, 2018: 168-169) اغلب تمایلی به تعبیه این صلاحیت برای نهادهای ناظر معاهده‌ای وجود ندارد. نهادهای موصوف که نه به‌عنوان ارگانی از یک سازمان بین‌المللی، بلکه برآمده از معاهده صلاحیت دهنده به خویش‌اند، در پناه اصولی چون تخصص و تبعیت از قاعده حقوقی عمل می‌کنند و از متخصصانی تشکل یافته‌اند که مستقل، بی‌طرفانه و در کسوت فردی<sup>۱</sup> خود (نه به‌عنوان نماینده دولتی خاص) ایفای نقش می‌کنند ( ILC Draft conclusions on subsequent agreements and subsequent practice, 2018: 13). پس آنچه اینان در خوانش و تفسیر معاهده ارائه می‌کنند، تهی از ملاحظات غیرحقوقی است.

جایگاه، صلاحیت و ارزش رویه مولود تمامی سازوکارهای معاهده‌ای حقوق بشری به‌صورت خاص از معاهده حیات‌دهنده نشأت می‌گیرد و نمی‌توان قاعده‌ای واحد در خصوص ارزش محتوای تولیدشده در این اندام‌واره‌های معاهده‌ای از جمله تفاسیر کلی ارائه کرد. می‌توان گفت محتوا و اعتبار هر یک از این تفاسیر کلی تابع قاعده خاص<sup>۲</sup> صلاحیت‌دهنده به رکن صادرکننده است ( ILC, Fifth report on subsequent agreements and subsequent practice, 2018: 36).

از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل قرائت جمعی کمیته ناظر در قالب تفاسیر کلی، با لحاظ مؤلفه‌هایی دیگر، قرائتی ناب و معتبر از مقررات معاهده ذی‌ربط است که با وجود الزام‌آور نبودن، در درجه بسیار بالایی از اعتبار اخلاقی و حقوقی قرار دارد. به باور کمیسیون حقوق بین‌الملل این یافته‌ها بخشی از مفهوم رویه بعدی در اجرای معاهده‌اند که در قالب کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات) و عنداللزوم کنوانسیون ۱۹۸۶ وین در خصوص حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر می‌توانند عنصری معتبر<sup>۳</sup> در تفسیر معاهده باشند. پس، نظر به صلاحیت‌های تخصصی و برائت از جانبداری و سوگیری سیاسی در کارکردهای رسمی نهادهای ناظر معاهده‌ای، تفاسیر کلی را باید واجد ارزشی مقتضی دانست؛ ارزشی که ناشی از حاکمیت اصل حسن‌نیت در اجرای معاهده و تعهد عام به همکاری با سازوکارهای معاهده‌ای است ( ILC, Report of the Sixty-third session, 2011: 402, para. 3). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در مواضعی از جمله رأی خود در قضیه تعهد به محاکمه یا استرداد ( ICJ Rep, Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, 2012: 101) و نظر مشورتی درباره رأی دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار ( ICJ Rep, Judgment No.2867 of the Administrative Tribunal of the International

1 Individual Capacity

2. lex specialis

3. Authentic factor

(Labour Organization, 2012: 39) به تعبیه توجه مقتضی و یا ارزش شایان توجه اما غیرقاطع در زمینه تفاسیر کلی کمیته‌های ناظر باورمند بوده است.

## ۵. اصول کلی تضمین‌کننده حقوق کودک در فضای دیجیتال

تحقق تمامی حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق کودک برای ذی‌نفعان منوط به بازآرایی رویه‌های ملی از جمله تقنین، اجرا و دادرسی در پرتو اصول و الزامات حقوقی ویژه است. به باور کمیته حقوق کودک، چهار مؤلفه بنیادین حقوقی در این فرایند ایفای نقش می‌کنند و هرگونه اقدام توسط اطراف کنوانسیون و پروتکل‌های آن از مجرای این چارچوب قابل خوانش خواهد بود. نیز این چارچوب، سنجش‌های مطلوب در ارزیابی پایبندی اطراف کنوانسیون به حقوق کودک در زمینه فضای مجازی خواهد بود. این عناصر به پایه‌ای عینی و قابل راستی‌آزمایی‌اند که فرصت‌ها، چالش‌ها و مخاطرات فراروی دولت در مقام ارتقاء، احترام، صیانت و اجرای حقوق کودکان در فضای مجازی را ممکن سازد.

### ۵.۱. عدم تبعیض

تمتع و استیفای تمامی مصادیق حقوق بشر به‌ویژه برای کودکان در پناه اصل عدم تبعیض قرار می‌گیرد. افزون بر انعکاس به‌عنوان قاعده‌ای عمومی در تمام معاهدات با محتوای حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۲ به‌صورت ویژه اطراف کنوانسیون را مأخوذ به «تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض» دانسته است و این تعهد حامی کودکان در فضای مجازی نیز خواهد بود. اصل پیش گفته ماهیتی عام و بنیادین دارد (CCPR, General comment No.18, 1989: 11).

با توجه به آنکه عموم تبعیض‌های قابل تصور در حق کودکان در فضای خانوادگی، عمومی و کاری صورت می‌گیرد (CESCR, General comment No.20, 2009: 11) و فضای مجازی نیز می‌تواند یکی از مصادیق فضای عمومی باشد، رفع تبعیض در این حوزه متضمن کنش ایجابی و اقدامات فعالانه دولت در بستر پیش گفته است. از این رو و افزون بر تضمین محرمانگی، دسترسی مؤثر و برابر، ممنوعیت استثنای دیجیتال (CRC, General comment No.25, 2021: 9) و زدودن رویه‌های مضر و از جمله تبعیض‌آمیز در بهره‌مندی و دسترسی کودکان به محیط‌های مکمل حیات اجتماعی آنان از جمله فضای دیجیتال بخشی از تکلیف دولت به رفع زمینه‌های تبعیض آور علیه کودکان است (Joint general recommendation No 31 of CEDAW and general comment No.18 of CRC).

به یقین، رفع تبعیض در این قالب متضمن وانهادن تمام محتوای تولیدشده در بستر دیجیتال در معرض دسترسی کودکان نیست. تعهد پیش گفته منصرف از دسترسی باز کودکان به محتوای تنفرآمیز،



غیراخلاقی و خشونت‌محور است و رده‌بندی محتوای دیجیتال به‌نحوی که متناسب با سن، جنسیت و سایر اوصاف کودکانه بهره‌مندان باشد، امری بنیادین است.

## ۵.۲. مصالح عالیۀ کودک

به تصریح ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک در تمامی امور مربوط به کودکان در هر لایه‌ای از بازنمایی اجتماعی آنان رعایت مصالح عالیۀ کودک در اولویت قرار می‌گیرد. «امور» در این معنا به آن پایه عام است که نه فقط تصمیمات رسمی دولتی، بلکه اقدام‌ها، پیشنهادها، خدمات و رویه‌ها را نیز در برمی‌گیرد. این الزام در تمام سطوح تقنینی، اجرایی و قضایی معنا می‌یابد.

به تصریح کمیته حقوق کودک، مصالح عالیۀ کودک، مفهومی پویا و سه‌سطحی است و افزون‌بر تلقی به‌عنوان حق ماهوی، یک اصل حقوقی بنیادین در تفسیر هر قاعده مربوط به حقوق کودک است. نیز به‌عنوان قاعده‌ای تشریفاتی، تعهد دولت به ارزیابی تمام اقدامات تحدیدی و حمایتی در پرتو اصل رعایت مصالح عالیۀ کودک معنا می‌یابد (6: 2013, CRC, General comment No.14). در همین زمینه هرگونه اقدام دولت در خصوص کنشگری کودکان در فضای مجازی از جمله تنویر، تقنین، طراحی، مدیریت و استفاده از آن متضمن در نظر داشتن مصالح عالیۀ کودکان از جمله نوع نیاز (Freeman, M., 2007: 31)، حق حیات، رشد، تعالی اخلاقی، بالندگی علمی و سایر مصادیق حقوق کودکان است. امر پیش‌گفته متضمن مشارکت دادن نهادهای ملی-محلی در ارزیابی‌های دولتی نیز خواهد بود (CRC, General comment No.25, 2021: 12-13). تعهد اخیر به‌ویژه از آن حیث است که دولت نمی‌تواند داور نهایی در ارزیابی مصالح عالیۀ کودکان باشد.

## ۵.۲.۱. حق حیات، بقا و تعالی کودک

تعهد عام دولت‌ها به صیانت از حق حیات وفق ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چهره‌ای ویژه در ارتباط با افراد آسیب‌پذیر می‌یابد. به تصریح کمیته حقوق مدنی و سیاسی، کودکان یکی از شقوق گروه‌های پیش‌گفته‌اند که تعهد به اتخاذ تدابیر ویژه توسط دولت در مورد آنان الزامی است (CCPR, General comment No.36, 2021: 23). نیز بر اساس بند ۱ ماده ۲۴ میثاق، کودکان به اقتضای وضع صغیربودنشان باید مخاطب حمایت‌های ویژه خانواده، جامعه و دولت باشند.

حمایت ویژه موصوف در عرض حمایت‌های عامی است که وفق ماده ۶ میثاق در قالب حق حیات برای کودکان معنا می‌یابد (1: 1989, CCPR, General comment No.17). و ناظر بر مصونیت‌بخشی به کودکان در زمینه خطرهای حاصل از محتوا، ارتباط و رفتارهای مجازی است. بدون قید حصر می‌توان محتوای خشونت‌آمیز، محتوای جنسی، محتوای مولد آزار و اذیت سایبری، قمار،

بهره‌کشی و سوءاستفاده و آزار جنسی، ترویج یا تحریک به خودکشی یا کنش‌های تهدیدکننده حیات را از جمله توسط جنایتکاران یا گروه‌های مسلح تروریستی یا خشونت‌طلب از تهدیدات فراگیر علیه حق حیات، بقا و توسعه کودکان دانست (CRC, General comment No.25, 2021: 14).

تعهدات عام و خاص پیش‌گفته سازوکار عملی صیانت از مصالح عالیۀ کودک وفق کنوانسیون حقوق کودک است. با توجه اثرپذیری بالای کودکان از فضای دیجیتال، بالقوه آسیب‌زا بودن این محیط و ادراک سطحی آنان از مخاطرات پیش‌گفته، حزم و دوراندیشی اطراف کنوانسیون حقوق کودک ایجاب می‌کند بهره‌مندی کودکان از بستر دیجیتال در پرتو اصل مراقبت و نظارت ذی‌نفعان از جمله والدین، مراقبان، مربیان و سایر ذی‌نفعان باشد. باید پذیرفت مشورت با کودک، گزینش مسیرهای دوستانه مراقبت و نظارت، دخالت دادن سایر ذی‌نفعان مشابه و نیز بازنمایی تجارب نامطلوب دیگران شیوه‌ای مطلوب در کاربست تعهد پیشین باشد.

### ۵.۲.۲. احترام به دیدگاه‌های کودک

کودکان در سایه اراده قاطع و آزادی عمل سرپرستان خود رشد می‌کنند. با وجود این نمی‌توان پذیرفت تمامی مظاهر اراده و باب انعکاس دیدگاه‌های کودکان مسدود باشد. قدر متیقن آن است که کودک بتواند دیدگاه‌های خود را آزادانه در خصوص تمام امور مربوط به خود ابراز کند و متناسب با سن و درجه بلوغش به دیدگاه‌های وی توجه مقتضی شود. حاصل آنکه در امور قضایی و اجرایی اثرگذار بر کودک وی باید بتواند به‌طور مستقیم یا به‌واسطه نمایندگی غیر دیدگاه‌های خود را ابراز کند (CRC: 1989: Art. 12) و در امور واجد منفعت همچون اداره مدرسه، برنامه‌های تفریحی کودکانه و دسترسی به فضای مجازی مورد مشورت قرار گیرد.

حق پیش‌گفته الزاماً بدان معنا نیست که دیدگاه کودک بسان دیدگاه‌های بزرگسالان واجد جامعیت و درجات بالایی از معقولیت باشد و به‌خودی‌خود واجد اعتبار حقوقی و اثرگذاری بر اتخاذ راهبردهای مدیریت فضای دیجیتال باشد. همین که کودک بتواند سطحی مشخص از دیدگاهش در زمینه امور مرتبط به خود را منعکس کند، مفید به مقصود خواهد بود (Tobin, 2019: 402). حق مزبور در پیوند با آزادی بیان کودک نیز قرار می‌گیرد و در همان چارچوب نیز قابل تحلیل است. اما در هر صورت افزون‌بر ایجاد چارچوبی در قالب یک حق بشری، خالق یک تعهد بین‌المللی روشن برای دولت است که کودکان را در امور مربوط به آنان دخالت و مشارکت دهند (Detrick, 1999: 219). به‌ویژه در مورد کودک-معلولان، کودکان متعلق به اقلیت‌ها و گروه‌های بومی و سایر کودکان آسیب‌پذیر که در انعکاس دیدگاه‌های خود با مشکل مواجه‌اند، اهمیت مضاعف می‌یابد (CRC, General comment No.16, 2013: 21).

تکلیف دولت دایر بر توجه به دیدگاه کودک افزون بر سطح فردی می‌تواند ناظر بر دیدگاه‌های گروهی از کودکان نیز باشد. به باور کمیته حقوق کودک، انعکاس دیدگاه‌های کودکان، دولت با چشم‌اندازها، تجارب و اقتضاتاتی مواجه خواهد شد که عنداللزوم در فرایند تصمیم‌سازی، سیاستگذاری و تمهید قوانین و تدابیر اجرایی آن مؤثر خواهد افتاد (CRC, General comment No.12, 2009: 12).

حاصل آنکه هرگونه فرایند تقنینی، سیاستگذاری، برنامه‌سازی و توسعه و ارائه خدمات و محتوای آموزشی به کودکان در فضای دیجیتال مستلزم آن است که دولت‌ها و ارائه‌کنندگان خدمات دیجیتال ضمن لحاظ تضمینات صیانتی مناسب برای کودکان، توجه مقتضی به نیازها و دیدگاه‌های آنان را در دستور کار خود قرار دهند (CRC, General comment No.25, 2021: 16-17). بهره‌گیری از خود فضای دیجیتال به‌عنوان بستر دریافت و ادراک دیدگاه‌های کودکان و تعهد به ارزیابی و جدی گرفتن دیدگاه مزبور، به‌ترتیب به‌عنوان چارچوب شکلی و ماهوی تعهد دولت در احترام به دیدگاه‌های کودک تلقی می‌شود.

## ۶. اصول کلی اقدام برای صیانتگری از کودکان در فضای دیجیتال

صیانت از کودکان در فضای مجازی مستلزم اتخاذ تدابیری است که هر دولت به‌هنگام پیوستن به یک معاهده با محتوای حقوق بشری بر عهده می‌گیرد. بدون قید حصر چنین تدابیری تقنین ملی، اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای حمایتی، تخصیص منابع، نظارت، آموزش و همکاری با جامعه مدنی را در برمی‌گیرد. در مانحن فیه، اقدامات ملی دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک در چارچوبی مشخص قرار می‌گیرد که اغلب محتوای حقوقی دارد و از نظر کمیته حقوق کودک تدابیر عام برای اجرای کنوانسیون تلقی می‌شوند. البته با ملحوظ داشتن این مهم که تعبیه و کاربست این چارچوب عمومی اجرای تعهد، نیازمند مطابقت با ضرورت‌ها و تحولات فضای دیجیتال و حمایت‌های خاصه‌ای است که باید نسبت به کودکان به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی این بستر روا داشته شود.

### ۶.۱. تقنین، سیاستگذاری و راهبردهای جامع ملی

به‌نظر می‌رسد اولین سطح اجرای یک تعهد بین‌المللی در نظم ملی یک کشور، تقنین ملی و تعریف سیاست‌ها و راهبردهای روشن به‌منظور عینیت بخشی به موضوع و هدف معاهده ذی‌ربط است و صرف تقنین و تعریف چارچوب‌های ملی وافی به مقصود نخواهد بود. کمیته حقوق مدنی و سیاسی در تفسیر ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر کرده است اجرای ملی تعهدات مندرج در میثاق، فی‌نفسه با صرف قانونگذاری تحقق نخواهد یافت (CCPR, General comment No.3, 1981: 1)، بلکه اقداماتی مشخص و عینی عصاره پابندی دولت به تعهد را تشکیل می‌دهد.

می‌توان گفت تقنین، سیاستگذاری و اتخاذ راهبردهای ملی مقدمه لازم و بلکه اولین مرحله در تمثیت تعهدات مندرج در میثاقی با ماهیت بشری و از جمله کنوانسیون حقوق کودک بوده و حاصل آن آگاهی ذی‌نفعان به حقوق و تمهید شرایط برای استناد و بهره‌گیری ذی‌نفعان و تحذیر صاحبان تکلیف نسبت به نقض تعهد و الزام به مراعات آن است. در همین زمینه است که کنوانسیون حقوق کودک در صدر تعهدات اطراف کنوانسیون از «تعهد به اتخاذ تمامی تدابیر تقنینی، اجرایی و جز آن برای تحقق حقوق مندرج در کنوانسیون» یاد می‌کند (CRC: 1989: Art. 4).

فارغ از محتوای تقنین ملی، اعتبار تقنین بدان وابسته است که کاملاً مطابق با کنوانسیون باشد، مستقیماً قابل اجرا بوده و نزد مراجع ملی تنفیذپذیر باشد. بنابراین تقنین، راهبرد و سیاستگذاری ملی در عرصه دیجیتال نمی‌تواند در حصار مقاصد کلی، عام، مبهم و غیرعینی منجمد شود. بلکه عناصری از عینیت و قابلیت اجرا در آن نیاز است. تمام اوصاف پیش‌گفته ابتداً و استداماً از عناصر جوهری تقنین و سیاستگذاری ملی در عرصه دیجیتال است؛ بدان معنا که دولت مکلف است قابلیت تحول و روزآمدی تقنین و سیاستگذاری را در بستر زمان تضمین کند. الزام اخیر همواره مورد تأکید کمیته حقوق کودک نیز بوده است (CRC, General comment No.5, 2003: 18).

به باور کمیته حقوق کودک در عرصه دیجیتال دولت تعهد به تصویب، بازبینی و روزآمدی قوانین داخلی دارد (CRC, General comment No.25, 2021: 23). شرط محتوایی عمل به این تعهد آن است که امکان اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های الحاقی به آن تضمین شود، در پرتو هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر باشد، رویه‌های در حال ظهور به‌عنوان رویه بعدی در تفسیر کنوانسیون و نیز تحولات فناورانه در عرصه دیجیتال را ملحوظ بدارد. طراحی استانداردهای خاص در زمینه فضای دیجیتال و برنامه‌های اقدام مربوط به آن و تضمین ارزیابی و روزآمدی قاعده‌مند آن دو بخشی دیگر از رسالت دولت در چارچوب تقنین و سیاستگذاری است؛ با این هدف که فرصت بهره‌مندی از فضای دیجیتال و دسترسی امن به آن تضمین شود.

بخشی دیگر از سیاست‌های کلی صیانت از کودکان در محیط دیجیتال ناظر بر تدابیر حمایتی در برابر مخاطراتی نظیر حملات سایبری و استثمار و سوءاستفاده جنسی از کودکان توسط فناوری سازمان‌دهی شده دیجیتال و تضمین تعقیب و مجازات مرتکبان این جرائم و ارائه جبران خسارت و حمایت برای کودکان قربان است. تکلیف پیش‌گفته انحصاری به قلمرو خاصی ندارد و از جمله شمول آن بر خانه، محیط‌های آموزشی، کافی‌نت‌ها، مراکز جوانان، خدمات کتابخانه‌ای و بهداشت و سلامت قابل تصور است (CRC, General comment No.25: 2021, 24-26). تسری گزاره‌های پیشین به حوزه بازی‌های دیجیتال نیز انکار kh\bdv است.

**۲.۶. همکاری، هماهنگی و تخصیص منابع**

ایفای تعهدات بین‌المللی دولت در سطح ملی اغلب مرهون هماهنگی میان‌بخشی و هم‌افزایی میان قوا، مؤسسات و دستگاه‌های مختلف است. این امر بدان پایه بدیهی است که کنوانسیون حقوق کودک اشاره صریح به آن را لازم ندانسته است. بُعدی دیگر از هماهنگی ناظر بر روابط برون‌دولتی است که همکاری و هماهنگی بین‌المللی در اجرای تعهدات ناظر بر کنوانسیون حقوق کودک را ایجاب می‌کند.

کنوانسیون در دو موضوع خاص حمایت از کودک-معلولان (CRC: 1989: Art. 23) و حق کودکان بر آموزش (CRC: 1989: Art. 28) به هماهنگی موصوف تصریح کرده است. پس هرچند صرف هماهنگی و هم‌افزایی فی‌نفسه منجر به ایفای ماهوی تعهدات در مانحن‌فیه نیست (CESCR, General comment No. 2, 1990: 7)، به‌نظر می‌رسد یک قاعده عمومی اجرای تعهد در تمامی معاهدات با ویژگی حقوق بشری باشد. در موضوع کنشگری دیجیتال کودکان، دولت‌های عضو باید برای پوشش پیامدهای همه‌جانبه محیط دیجیتال بر حقوق کودکان، یک نهاد دولتی را که مأمور ایجاد هماهنگی بین سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های مربوط به حقوق کودکان بین ادارات مرکزی دولتی و دیگر سطوح مختلف دولت است، تعیین یا تعریف کنند.

تحقق حقوق کودکان در ارتباط با محیط دیجیتال در سطوح میان‌بخشی، ملی، منطقه‌ای و محلی، مستلزم کنشگری سازوکار هماهنگ‌کننده ملی با مدارس و بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشاغل، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها و سازمان‌های همکاری است (CRC, General comment No.25, 2021: 27). مصداق دیگر از تعهد دولت در قالب حاضر موضوع تمهید و اختصاص منابع است. این امر در قالب الزامات ایجابی و فعالانه دولت در ایفای تعهدات بین‌المللی قرار می‌گیرد و همان‌سان که کمیته حقوق کودک تصریح کرده است بودجه‌ریزی در امور در خصوص کودکان و از جمله حقوق آنان در بستر دیجیتال در پناه اصولی همچون مؤثر بودن، کفایت، انصاف، شفافیت و پایداری قابل تعریف است (CRC, General comment No.19, 2016: 57-63).

ارتقای دسترسی برابر به این محیط و مقرون به صرفه شدن خدمات و اتصالات، تعریف منابع مالی برای اجرای قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌ها به‌منظور صیانت کامل از حقوق کودکان در محیط دیجیتال، بهبود فراگیری دیجیتالی، برقراری سیستم عادلانه شفاف مالیاتی، اطمینان از عدم مداخله ثالث در تعهدات مالی و بودجه تعیین‌شده از طریق بخش تجاری یا همکاری بین‌المللی در همین قالب قابل توصیف است (CRC, General comment No.25, 2021: 28-29).

### ۳.۶. نظام ارزیابی اثر

پیش از این اشاره شد که یکی از اضلاع تعهدات دولت در خصوص کنشگری کودکان در بستر دیجیتال تقنین، سیاستگذاری و تعریف راهبردهای ملی است و تمامی اینان در بستر زمان نیازمند ارزیابی‌های مستمر و سنجش تأثیرات خواهند بود. با توجه به پویایی فضای وب و خدمات ارائه‌شده در آن و تحولات سنی، رفتاری، سلیقه‌ای و نیز خواسته‌های کودکان در زمینه فضای پیش‌گفته، دولت باید مستمراً و در هر زمانی پس از تجمیع داده‌های علمی و انجام پژوهش‌های روزآمد، تأثیر فضای دیجیتال بر کودکان را ارزیابی کند و عنداللزوم به بازبینی یا بازتعریف اولویت‌های خود در کنترل این فضا پردازد.

مبرهن است هرگونه اقدام دولت در این زمینه باید با رعایت سایر چارچوب‌های مندرج در کنوانسیون حقوق کودک باشد. از جمله آنکه هیچ کودکی نباید به صورت خودسرانه قربانی مداخله غیرقانونی در حریم خصوصی، خانواده، مسکن یا ارتباطاتش شود (CRC, 1989: Art. 16)؛ ولو آنکه به عذر تجمیع داده برای ارزیابی آثار بهره‌گیری از بستر دیجیتال باشد. پس جمع‌آوری داده‌ها و تحقیقات در خصوص زندگی دیجیتال کودکان باید کاملاً منطبق بر حفظ حق حریم خصوصی آنان و بالاترین استانداردهای اخلاقی باشد.

اهمیت موضوع حاضر تا آنجا برجسته می‌شود که به زعم کمیته حقوق کودک، تعدی به حریم خصوصی کودکان در ردیف خشونت علیه کودکان قرار می‌گیرد (CRC, General comment No.13, 2011: 3-4). اطلاعات و تحقیقات به‌روز و منظم برای درک پیامدهای محیط دیجیتال بر زندگی کودکان، سنجش آثار آن بر حقوق کودکان و ارزیابی میزان اثربخشی مداخلات حمایت‌گرایانه دولت، بسیار حائز اهمیت‌اند. اطمینان یافتن دول عضو از جمع‌آوری داده‌های جامع و کامل و متکی به منابع کافی و طبقه‌بندی‌شده بر اساس سن، جنسیت، عنصر معلولیت، موقعیت جغرافیایی، خاستگاه قومی و ملی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی در این راستا امری بنیادین است. چنین داده‌ها و تحقیقاتی از جمله تحقیقات انجام‌گرفته در زمینه کودکان یا توسط کودکان، باید به قوانین، سیاست‌ها و رویه‌ها آگاهی بخشند و در حوزه عمومی در دسترس باشند (CRC, General comment No.25, 2021: 30).

### ۴.۶. نظام اشاعه داده

حق بر آموزش از جمله در خصوص کودکان به‌عنوان حقی بشری با ماهیت بنیادین شناسایی شده است (CESCR, General comment No.13, 1999: 4). کاربست تعهد دولت در این زمینه با توجه به ارزش‌هایی همچون پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان، توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های وی و ارزش‌های ملی، آماده کردن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه، توسعه احترام به محیط زیست و منع مداخله در زندگی خصوصی کودک است (CRC, 1989: Art. 29).

افزون بر این آموزش برای حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوءاستفاده‌های جنسی در زمان مراقبت والدین یا قیم‌های قانونی یا هر شخص دیگری از کودک از تعهدات روشن اطراف کنوانسیون نسبت به کودکان است (CRC, 1989: Art. 19).

تعهد دولت در مانحن فیه زمانی ایفا خواهد شد که افزون بر شناسایی، تحقیق، تعقیب و مجازات تمامی موارد بدرفتاری با کودکان و سرکوب رویه‌های نامطلوب، برنامه‌های اجتماعی، حمایت‌های مسئولانه از کودک در تمام سطوح و در برابر تمامی اشکال محدودیت و تهدیدها جزو برنامه‌های اولیه دولت در صیانت از حقوق کودکان باشد. آموزش در این قالب از سطح آموزش رسمی در نظام مدارس فراتر رفته و همان‌سان که کمیته حقوق کودک تصریح کرده است، گستره وسیع از تجارب حیات و فرایندهای یادگیری را در برمی‌گیرد و کودکان را قادر می‌سازد تا به صورت فردی یا جمعی شخصیت، توانایی و استعداد‌های خود را تا سر حد کمال شکوفا کنند (CRC, General comment No.1, 2001: 2).

حاصل آنکه مدیریت مسئولانه فضای دیجیتال به‌ویژه در سطح ملی، ارائه محتوای مطلوب با رعایت نیازها و ترجیحات کودکان، آموزش خود کودکان، والدین و سرپرستان قانونی آنان در نحوه بهره‌مندی از فضای دیجیتال و نحوه مدیریت تهدیدات موجود در آن، سرکوب تهدیدات سایبری علیه کودکان، تحدید دسترسی کودکان به محتوای مخرب و همکاری‌های بین‌المللی در مواجهه با تهدیدات کودک‌محور از اجزای تعهد دولت به آموزش، اشاعه اطلاعات و نحوه مواجهه با مخاطرات دیجیتال است.

به باور کمیته حقوق کودک انتشار اطلاعات و راه‌اندازی کمپین‌های آگاهی‌بخشی در مورد حقوق کودک در محیط دیجیتال، پدیدآوری برنامه آموزشی برای کودکان، والدین و مراقبان، عموم مردم و سیاستگذاران، آموزش نحوه استفاده کودکان از محصولات و خدمات دیجیتالی و توسعه دانش و مهارت‌های دیجیتالی آنها، نحوه حفاظت از حریم خصوصی کودکان و جلوگیری از قربانی‌شدنشان و نحوه شناسایی کودک قربانی آسیب و واکنش مناسب برابر آن اجزای دیگر تعهد اطراف کنوانسیون حقوق کودک در مانحن فیه است (CRC, General comment No.25, 2021: 32).

## ۷. نظام نظارت و ارزیابی مستقل

نظارت بر اجرای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها به‌ویژه با ماهیت حقوق بشری در چند لایه قابل طرح است. در این زمینه به صورت کلی می‌توان از نظارت درونی و بیرونی سخن گفت. نظارت درونی فارغ از هرگونه تقسیم‌بندی و تشکیلات سیاسی توسط سازوکارهای ملی قابل اعمال‌اند و نظارت برونی توسط مجموعه‌ای از کنشگران خارجی از جمله سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تصور می‌شوند. نقش

نهادهای حقوق بشری مستقل و ملی<sup>۱</sup> در تضمین اجرای مفاد کنوانسیون حقوق کودک بسیار مهم است. دامنه وسیعی از کارویژه‌ها برای این نهادها متصور است که از آن جمله می‌توان به نظارت، حمایت، ارتقاء، تدوین استانداردها و تمهید جبران خسارت اشاره کرد (The Paris Principles, 1993).

به نظر کمیته حقوق کودک تشکیل چنین نهادی در همان چارچوب تعهدات بین‌المللی اطراف کنوانسیون حقوق کودک تعریف می‌شود (CRC, General comment No.2, 2002: 1). جوهر و صلاحیت چنین ارکانی نظارت بر فرایند اجرا و تمشیت تعهدات دولت است. پس نمی‌توان وجود چنین رکنی را در سطح ملی امری نمادین و تشریفاتی دانست. طبیعی است که این نهادها مستقلانه و به صورت مؤثری ناظر، ارتقادهنده و حامی حقوق کودکان باشند، پیوسته در دسترس باشند و در چارچوب قانون اساسی و یا حداقل سایر قوانین موضوعه ملی تشکیل شده و ترکیب آن نماینده عموم کنشگران دولتی و غیردولتی حامی حقوق کودکان باشد. این تکلیف قابل تسری به تعهدات دولت‌ها در زمینه کنشگری کودکان در فضای دیجیتال نیز خواهد بود.

به باور کمیته حقوق کودک اطراف کنوانسیون باید تضمین کنند که تعهدات نهادهای ناظر ملی و دیگر نهادهای مناسب و مستقل، حقوق کودکان در محیط دیجیتال را تحت پوشش قرار دهد. به‌گونه‌ای که صلاحیت و توان دریافت، تحقیق و رسیدگی به شکایات کودکان یا اولیای آنان را داشته باشند (CRC, General comment No.25, 2021: 31). این تکلیف در چارچوب همان تکالیف عام نهادهای ناظر ملی قابل تعریف است. هر البته باید به یاد داشت اگر در کشوری نهادهای مستقل و ویژه‌ای برای نظارت بر فعالیت‌های دیجیتالی وجود دارند (همچون مراکز ملی مدیریت فضای دیجیتال)، هم‌افزایی و مشارکت توأمان نهاد ناظر حقوق بشری با نهادهای پیش‌گفته ضرورت می‌یابد.

## ۸. نظام دادخواهی و جبران خسارت

دسترسی کودکان به سازوکارهای ملی دادخواهی و جبران خسارت افزون بر آنکه از اطلاق و عموم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برمی‌آید (ICCPR, 1966: Art. 14)، به‌صورت ویژه از خود کنوانسیون حقوق کودک نشأت می‌گیرد. بر این اساس افزون بر دادرسی عادلانه کودکان در پناه منع عطف به ماسبق شدن قانون، فرض برائت، حق بر شنیده شدن در فرایند دادرسی و مشارکت مؤثر در آن، اطلاع فوری و مستقیم از موضوع اتهام، دریافت مشاوره حقوقی و مترجم رایگان، اخذ سریع تصمیمات قضایی، رهایی از خوداتهامی اجباری، جرح شهود، تجدیدنظرخواهی، حرمت کامل حریم خصوصی و حق بر دریافت جبران خسارت برخوردارند (CRC, 1989: Art. 40).

1. National Human Rights Institutions (NHRIs)



به تصریح کمیته حقوق کودک تمامی عناصر پیش گفته ولو در مدل های عرفی، بومی و یا غیردولتی اجرای عدالت باید قابل دسترس باشند (CRC, General comment No.24, 2019: 104). افزون بر سازوکارهای پیشین، دسترسی کودکان به سازوکارهای غیرقضایی جبران خسارت نیز تضمین کننده حقوق کودک تلقی می شود. به باور کمیته حقوق کودک، زمانی که توسل به تمامی سازوکارهای ملی دادخواهی و از جمله نهادهای ملی حقوق بشر به پایان رسید و عدالت در حق کودکان قربانی به نحو رضایت بخشی تحقق نیافت، دسترسی به سازوکارهای بین المللی حقوق بشر و از جمله خود کمیته حقوق کودک دور از دسترس نخواهد بود (CRC, General comment No.21, 2017: 22).

در مانحن فیه، اموری چند از جمله ماهیت امور مضر به حقوق کودکان در محیط دیجیتال، فقدان ممنوعیت های قانونی بر نقض حقوق آنان به ویژه در زمینه محیط دیجیتال، دستیابی دشوار به ادله یا شناسایی هویت ناقضان و ناآگاهی کودکان و والدینشان از حقوق آنان و ترس از تلافی همسالان یا محرومیت های اجتماعی دسترسی کودکان به دادخواهی را در تعامل با محیط دیجیتال با چالش های ویژه ای مواجه می کند. افزون بر این، نقص چارچوب های قانونی و ناآگاهی تعامل کنندگان و تمامی افراد مرتبط با کودک و آموزش نادیدگی آنان مزید آسیب های پیش گفته است (CRC, General comment No.10, 2007: 27).

در مواجهه با این وضعیت ایجاد سیستم شکایت و گزارش دهی باید رایگان، امن، قابل اعتماد، پاسخگو، کودک محور و قابل دسترس باشد و ارائه خدمات ویژه به کودکان قربانی در عرصه دیجیتال از جمله سازوکار دادخواهی جمعی از تکالیف ویژه اطراف کنوانسیون حقوق کودک تلقی شود (CRC, General comment No.25, 2021: 43-44).

طبیعی است که این تعهدات ویژه، نسخه تطبیق یافته تعهدات مندرج در ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک است که به صورت ویژه ای با ملاحظات مربوط به فضای دیجیتال از جمله آسیب پذیری کودکان و نیاز فوری به متوقف سازی و جلوگیری از آسیب های حال و آینده انطباق یافته است.

اثر نهایی مسئولیت دولت افزون بر تمامی شیوه های متعارف جبران خسارت از جمله اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت، کسب رضایت، عذرخواهی، تأدیب، حذف محتوای غیرقانونی از بستر دیجیتال و تعهد به عدم تکرار یا در دسترس قرار دادن همان محتوا، دسترسی به خدمات توانمندسازی روان شناختی و یا سایر اقدامات با ماهیت مشابه است. با توجه به بستر سیال و متحول دیجیتال طبیعی است کاربرد تعهدات پیشین جز با همکاری های بین المللی اطراف کنوانسیون حقوق کودک در مدیریت بستر دیجیتال، تعقیب و محاکمه مرتکبان و آموزش نیروهای داخلی به ویژه در سطح قضایی متصور نخواهد بود.

## ۹. چالش‌ها و پیشنهادها

دسترسی کودکان به محیط دیجیتال پیوسته و با سرعتی روزافزون در حال گسترش است. اما مقررات و دانش فنی و فرهنگی تنظیم‌کننده دسترسی به این محیط با سرعتی مناسب و مطلوب توسعه نیافته یا تثبیت نشده است. بدون قید حصر، خلأهای تقنینی، آموزشی، فرهنگی و فنی را می‌توان چهار آسیب بزرگ فراروی دسترسی و بهره‌مندی از فضای دیجیتال برای کودکان دانست.

خلق و دسترسی به فضای دیجیتال مقدم بر شکل‌گیری قواعد و مقررات الزام‌آور ناظر بر این محیط بوده است و همین امر به‌عنوان چالشی بزرگ فراروی عموم دولت‌ها و به‌ویژه دولت‌هایی است که در تعبیه الگوی ملی دسترسی به فضای دیجیتال میل به اقتباس از نظم حقوقی دولت‌های دیگر دارند. فقدان دانش فنی پالایش و پایش فضای دیجیتال نیز بر این خلأ تقنینی می‌افزاید. حاصل آنکه تا تدوین و اقتباس الگوی مطلوب و کسب و انتقال دانش فنی پایش آن فضا فراگیری مخاطرات علیه کودکان در فضای دیجیتال و تثبیت الگوهای کنشی مخرب امری طبیعی خواهد بود. غلبه بر این تهدید نیازمند تنظیم مقررات مبتکرانه و فعال کردن ظرفیت‌های مقنن ملی و تدوین استانداردهای دسترسی، کنترل و پایش فضای دیجیتال در پرتو استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک و از جمله اصول چهارگانه پیش‌گفته است. حاصل این رویکرد سازشی می‌تواند در پایش و نظارت پیوسته، ممنوعیت انسدادهای بلاوجه و خودسرانه، تقدم بهره‌مندی از مزایا و فرصت‌های فضای دیجیتال در عین جلوگیری از رهاسازی کامل کودک در این فضا باشد.

نگرانی دیگر در مانحن فیه، فقدان الگوهایی بهینه از آموزش دیدگی والدین و سرپرستان قانونی کودکان است. آسیب‌های دسترسی به محیط دیجیتال اغلب از طریق آموزش به خود کودکان مرتفع می‌شود. با وجود این، کمیته حقوق کودک بر آموزش‌پذیری اولیا و سرپرستان کودکان تأکید می‌کند. بدیهی است که نمی‌توان به خودکنترلی کامل کودکان در فضای دیجیتال باور داشت یا الزام به نظارت بر کودکان را به‌تمامه بر دوش دولت نهاد و نقش والدین را به حداقل تنزل داد. آسیب‌پذیری دیجیتال معلول عدم اعمال کنترل‌های اولیه است و این موضوع از ناآگاهی والدین و سرپرستان به سازوکارهای کنترل و تنظیم دسترسی به فضای دیجیتال نشأت می‌گیرد. حاصل آنکه هرگونه آموزش کودک محور مادام که با آموزش والدین و سرپرستان قانونی آنها از جمله کنشگران در فضای آموزش رسمی مدارس همراه نشود، مفید به مقصود نخواهد بود و نقش این کنشگران را به‌عنوان اولین حلقه نظارت بر رفتار کودکان در خلأ قرار خواهد داد.

دیگر از چالش‌های موجود، وجود الگوهای فرهنگی متنوع است. تنوع فرهنگی در عین مطلوبیت می‌تواند به وجود الگوهایی متعارض از قواعد و استانداردهای دسترسی به فضای دیجیتال منتهی شود. مبرهن است که هنجارسازی هر دولت برای کنترل و مدیریت فضای دیجیتال تابعی از الگوهای استقرار یافته فرهنگی، اجتماعی و حتی ایدئولوژیک در همان کشور است. نظر به تنوع و تحول‌پذیری

الگوهای پیش گفته، تفاوت محتوایی در قواعد و مقررات ناظر بر کنترل فضای دیجیتال کاملاً قابل تصور است. کمیته حقوق کودک درصدد بوده است با حاکم کردن اصول چهارگانه موصوف، هرگونه هنجارسازی را در نظم ملی کشورها به وحدت رسانده و از چندپارگی الگوهای تقنینی ملی جلوگیری کند. با وجود این میل روزافزون اطراف کنوانسیون حقوق کودک به تطبیق هنجارهای معاهده موصوف با الگوهای ملی خود عملاً به چندگانگی و تنوع هنجاری در این زمینه دامن می‌زند و در نتیجه مصالح عالیۀ کودکان و بهره‌مندی آنان از حقوق مشابه به محاق می‌رود. برای غلبه بر این وضعیت مسیری جز تطبیق هنجارهای ملی با استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک قابل تصور نیست. در این میان نقش نظام گزارش‌دهی به کمیته حقوق کودک و شأن نظارتی این کمیته می‌تواند به وجهی مطلوب مورد توجه باشد.

#### ۱۰. نتیجه

فرصت‌ها و تهدیدهای فضای دیجیتال به‌عنوان بستری با کاربری دوگانه بر کسی پوشیده نیست. این فضا افزون‌بر آنکه بستری برای ارتباط، تبادل داده، آموزش‌پذیری، تجارت و حتی استیفای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادینی همچون آزادی بیان است، خود می‌تواند عاملی برای تهدید ذی‌نفعان و بهره‌مندان از آن باشد. هرچند این فضا فی‌نفسه متضمن مفسده‌ای نیست، اما پرورش‌دهنده یا تسهیل‌کننده اوضاع و احوالی است که در آن هرزه‌نگاری، جرائم مالی، تروریسم و افراطی‌گری و سایر رویه‌های مخرب و مضر به حال ذی‌نفعان رخ دهد. قبض و بسط فرصت‌ها و تهدیدات قبض و بسط فرصت‌ها و تهدیدات پیش گفته تا حد زیادی به نحوه مدیریت این فضا، چگونگی تبادل داده و محتوا و نوع و اوصاف ذی‌نفعان بستگی دارد. کودکان به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی فضای دیجیتال قلمداد می‌شوند و با توجه به جوهرۀ کودکانۀ خود و داشتن اوصافی همچون ناآگاهی اجتماعی کامل، آموزش‌ندیدگی، ضعف نفس و هویت شکننده، اما رو به تعالی در معرض تهدیدات بی‌شمار اما قابل کنترل فضای دیجیتال هستند. نمود کودکان در فضای دیجیتال به‌ویژه آنجا پررنگ‌تر می‌شود که این فضا بستری برای ارائه آموزش‌های رسمی، سرگرمی، ارتباط با دیگر همسالان و حتی بهره‌گیری از کودکان برای تبلیغات تجاری می‌شود. با توجه به جمیع آنچه مذکور شد، بدیهی است مدیریت صحیح و پیکربندی چارچوب حقوقی استوار برای صیانت از کودکان در فضای دیجیتال اولویت داشته باشد. کمیته حقوق کودک به‌عنوان یکی از نهادهای صلاحیت‌دار برای تفسیر کنوانسیون حقوق کودک در تفسیر عمومی شماره ۲۵ خود که مشروح آن گذشت، درصدد آن بوده است که با برقراری توازن بایسته میان ضرورت‌های دسترسی، بهره‌گیری و نمود کودکان در فضای دیجیتال از یک سو و الزامات در زمینه مدیریت، کنترل و پایش محتوا در فضای مجازی و حق اطراف کنوانسیون حقوق کودک به مدیریت ملی فضای مجازی الگویی بهینه برای صیانت

از کودکان در فضای دیجیتال ارائه کند. به باور کمیته حقوق کودک رعایت اصل عدم تبعیض در دسترسی و بهره‌مندی کودکان از فضای دیجیتال به‌عنوان مقررهای با ماهیت بنیادین تلقی می‌شود و دولت مکلف است این تبعیض را در تمامی سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی و ملی زائل کند. نیز دسترسی کودکان به بستر پیش‌گفته باید متضمن ملحوظ داشتن مصالح عالیۀ کودکان به‌عنوان مقررهای ماهوی باشد و هرگونه نیازسنجی، مقررگذاری و دسترسی کودکان به فضای معنونه باید متضمن شناسایی رشد، تعالی اخلاقی، بالندگی علمی و سایر مصادیق حقوق کودکان در تمامی سطوح ملی باشد. در این زمینه احترام به حق حیات، بقا و توسعه کودک و توجه به دیدگاه‌های کودک که مستقیماً ارزش‌های برآمده از کنوانسیون حقوق کودک تلقی می‌شوند، برای دولت اصالت خواهد یافت. البته بی‌آنکه لازم باشد دولت خود را در چرخۀ مطالبات بی‌پایان و یا غیرمعقولی که مناسب طبع کودکان است، محصور کند. تحقق امور پیش‌گفته نیز تابع چارچوبی مشخص از کنشگری دولت است. بدین شرح که اطراف کنوانسیون حقوق کودک مکلف‌اند ضمن تقنین ملی و ترسیم سیاست‌ها و راهبردهای ملی مانند تعریف اسناد ملی حمایت از کودکان در فضای دیجیتال مدیریت آن فضا را به‌دست گیرند. وصف جوهری این برنامه‌های جامعیت، ملموس بودن، عینیت، غیرمبهم بودن، کارامدی، تحول‌پذیری، انطباق‌پذیری با نیازهای متحول زمانه و از همه مهم‌تر انطباق با سایر تعهدات بین‌المللی دولت است. به‌دنبال اخذ و تعریف چارچوب مشروحه مذکور، همکاری، هماهنگی میان بخشی و ملی و اخذ مشورت از سایر کنشگران در زمینه حقوق کودکان از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز پیش‌بینی و تخصیص منابع ناظر بر صیانت از کودکان در فضای دیجیتال امری ضروری است و کاربست سیاست‌های پیش‌گفته در پرتو اصل حاضر عینیت می‌یابد. ضمن رعایت اصل محرمانگی داده و احترام به حریم خصوصی کودکان، ارزیابی پیوسته تأثیرات فضای دیجیتال بر کودکان با الگوهای مطالعاتی علمی و روزآمد و عندالزوم بازبینی یا بازتعریف اولویت‌های دولتی در کنترل این فضا بخش دیگری از تعهد دولت در صیانت از کودکان بهره‌مند از بستر دیجیتال است. اشاعۀ اطلاعات، افزایش آگاهی و آموزش مواجهه با مخاطرات در زمینه بهره‌مندی از فضای دیجیتال و معرفی الگوهای بهینه یا مخرب بهره‌مندی بخشی دیگر از چندضلعی تکلیف دولت به صیانت از کودکان در فضای دیجیتال است. طبیعی است آموزش در این قالب از سطح آموزش رسمی در نظام مدارس فراتر رفته و دامنه وسیع از تجارب حیات و فرایندهای یادگیری را در برمی‌گیرد و کودکان را قادر می‌سازد تا به‌صورت فردی یا جمعی شخصیت، توانایی و استعداد‌های خود را تا سر حد کمال با بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های فضای دیجیتال شکوفا کنند. نیز به‌عنوان مؤلفه‌ای بنیادین و پسینی، باید از نظارت مستقل دولت بر نظام مدیریت و صیانت فضای مجازی یاد کرد. تشکیل رکنی که متولی نظارت، حمایت، ارتقا و تدوین استانداردهایی در زمینه بهره‌مندی و صیانت از کودکان باشد، در همان چارچوب کلی تعهدات بین‌المللی اطراف کنوانسیون حقوق کودک قابل تفسیر

است. بی‌آنکه وجود یا کارکرد نهاد ناظر را در مانحن فیه امری زائد، تشریفاتی و یا نمادین تلقی کنیم، نهاد پیش‌گفته باید مستقلانه و به‌صورت مؤثری ناظر، ارتقادهنده و حامی حقوق کودکان باشند، پیوسته در دسترس باشند و در چارچوب قانون اساسی و یا حداقل سایر قوانین موضوعه ملی تشکیل شده و ترکیب آن نمایندهٔ عموم کنشگران دولتی و غیردولتی حامی حقوق کودکان باشد. تکلیف‌نهایی دولت در مانحن فیه تعبیهٔ نظام دادخواهی و جبران خسارت برای قربانیان مخاطرات بهره‌مندی از فضای دیجیتال است. طبیعی است که سازوکار پیش‌گفته و صور جبران خسارت در آن باید منطبق با مؤلفه‌های ویژهٔ فضای دیجیتال باشد. دسترسی کودکان قربانی فضای دیجیتال به سازوکارهای قضایی و غیرقضایی جبران خسارت به‌نوعی تضمین‌کنندهٔ حقوق کودک ارزیابی می‌شود. در فرض ناکارآمدی سازوکارهای ملی دادخواهی و از جمله نهادهای ملی حقوق بشر و زمانی که عدالت در سطح ملی در خصوص حقوق کودکان قربانی فضای دیجیتال به‌نحو رضایت‌بخشی تحقق نیافت، دسترسی به سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر و از جمله خود کمیتهٔ حقوق کودک دور از تصور نخواهد بود. تفسیر عمومی پیش‌گفته و عناصر مندرج در آن که مشخصاً مبتنی بر مادهٔ خاصی از کنوانسیون حقوق کودک نیست، همچون دیگر تفاسیر کلی صادره توسط کمیتهٔ حقوق کودک و دیگر نهادهای ناظر برآمده از معاهدات حقوق بشری به‌عنوان دنبالهٔ منطقی و تفسیر معتبر کنوانسیون حقوق کودک در نظر گرفته می‌شود و با توجه به رویهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری و گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل منبعی معتبر برای شناخت سطح تعهدات اطراف کنوانسیون حقوق کودک تلقی می‌شود و اشارات آن در تقنین ملی و مدیریت کلان فضای دیجیتال در سطح ملی مؤثر خواهد افتاد.

## منابع

### – انگلیسی

#### A) Books

1. Buga, I. (2018). *Modification of Treaties by Subsequent Practice*. Oxford University Press.
2. Detrick, S. (1999). *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child*. martinus nijhoff publishers .
3. Freeman, M. (2007). *Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child. Article 3: The Best Interests of the Child*. Leiden, Boston, martinus nijhoff publishers.
4. Tobin, j. (2019). *The UN Convention on the Rights of the Child: A Commentary*. Oxford University Press.
5. Verheyde, M., & Goedertier, G. (2006). *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child, Articles 43-45: The UN Committee on the Rights of the Child*, Leiden, Boston, martinus nijhoff publishers.

**B) General Comments**

6. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General comment No. 2, 1990
7. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General comment No.13, 1999
8. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General comment No.20, 2009
9. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 1, 2001
10. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 2, 2002
11. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 5, 2003
12. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 10, 2007
13. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 12, 2009
14. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 13, 2011
15. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 14, 2013
16. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 16, 2013
17. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 17, 2013
18. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 18, jointly with general recommendation No. 31 of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW), 2014
19. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 19, 2016
20. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 20, 2016
21. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 21, 2017
22. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 24, 2019
23. Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 25, 2021
24. Human Rights Committee (CCPR), General comment No.3, 1981
25. Human Rights Committee (CCPR), General comment No.17, 1989
26. Human Rights Committee (CCPR), General comment No.18, 1989
27. Human Rights Committee (CCPR), General comment No.36, 2021

**C) Treaties**

- 29 Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1984
- 30 Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 1979
- 31 Convention on the Rights of Persons with Disabilities, 2006
- 32 Convention on the Rights of the Child, 1989
- 33 International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, 2007
- 34 International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966
- 35 International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 1965
- 36 International Covenant on Civil and Political Rights, 1966
- 37 Vienna Convention on the Law of Treaties (VCLT.I), 1969
- 38 Vienna Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations (VCLT.II), 1986

**D) Judgments**

- 39 International Court of Justice, Judgment No.2867 of the Administrative Tribunal of the International Labour Organization upon a Complaint Filed against the International Fund for Agricultural Development, Advisory Opinion of 1 February 2012
- 40 International Court of Justice, Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Judgment of 20 July 2012

**E) Other documents**

- 41 International Law Commission, Draft conclusions on subsequent agreements and subsequent practice in relation to the interpretation of treaties, 2018
- 42 International Law Commission, Fifth report on subsequent agreements and subsequent practice in relation to the interpretation of treaties, 2018
- 43 International Law Commission, Report of the Sixty-third session (26 April-3 June and 4 July-12 August 2011), A/66/10/Add.1
- 44 Principles relating to the Status of National Institutions (The Paris Principles), Adopted by General Assembly resolution 48/134, 1993
- 45 UNICEF, the State of the World's Children 2017, Children in a Digital World
- 46 UNICEF, The State of the World's Children 2021, Promoting, protecting and caring for children's mental health